

شرق روزنامه

نگاه

روزنه امید مستندسازان

دوشنبه ۱۶ اسفند سال گذشته بود که با برگزاری نشست خبری نخستین جشنواره تلویزیونی مستند، با حضور سیدسلیم غفوری، مدیر شبکه مستند و مهدی میرتیموری، دبیر اجرایی این جشنواره، امید تازه‌ای در دل مستندسازان جوانه زد. اگر از حق نگذریم، ژانر مستند در دنیا به یکی از محبوب‌ترین ژانرها تبدیل شده و مخاطبان بسیاری دارد و در ایران، تلویزیون مهم‌ترین محل برای نمایش این آثار به حساب می‌آید. البته گروه هنر و تجربه نیز فرصتی برای اکران عمومی نمایش آثار مستند در پرده سینما فراهم کرده، اما آنچه مستندساز دغدغه‌مند و سخت‌کوش را امیدوار می‌کند، دیده‌شدن اثرش از سوی تعداد بسیار بیشتری از مخاطبان است؛ کارکردی که فعلا در کشور از پس تلویزیون برمی‌آید. در آن نشست اعلام شد شناسایی و جذب استعدادهای جوانی که خارج از تهران به مستندسازی مشغول هستند، یکی از مهم‌ترین اهداف برگزاری جشنواره است؛ چراکه مستندسازان خوبی در شهرهای دور از مرکز هستند که متأسفانه فضایی برای عرضه تولیداتشان ندارند و آثارشان کمتر دیده شده است.

تعامل مردم با جشنواره مستند

نخستین جشنواره تلویزیونی مستند، به گفته متولیانش می‌کوشد به دیده‌شدن کار این هنرمندان و بروز و ظهور بیشتر توانمندی‌هایشان کمک کند، ضمن اینکه ساختار جشنواره به‌گونه‌ای طراحی شده که به تعامل بیشتر شبکه با مخاطبان نیز می‌انجامد؛ اتفاقی فرخنده که رشد مخاطبان فرهیخته و مستندپسند را در پی خواهد داشت؛ چراکه این جشنواره علاوه بر داوری از سوی کارشناسان و اساتدان این رشته، از سوی مردم نیز داوری می‌شود و این‌گونه مخاطبان سهم بیشتری از آنتن تلویزیون را متعلق به خود می‌بینند و علاقه‌شان به ژانر مستند افزایش پیدا خواهد کرد. این جشنواره که نخستین دوره آن در حال برگزاری است و بناست به صورت فصلی برپا شود، در سه بخش کوتاه زیر ۳۰ دقیقه، نیمه‌بلند ۳۰ تا ۶۰ دقیقه و بلند بیش از ۶۰ دقیقه، آثار علاقه‌مندان را داوری می‌کند. در هرکدام از این بخش‌ها نیز دو جایزه مردمی و جایزه هیئت داوران به برگزیدگان تعلق می‌گیرد که تعداد جوایز هر فصل را به رشد این بخش جایزه می‌رساند.

حمایت از تولید اثر بدی

جوایز هر بخش در قالب حمایت از تولید اثر بعدی به برگزیدگان تعلق می‌گیرد؛ به این نحو که از آثار کوتاه تا سقف ۲۰ میلیون، آثار نیمه‌بلند ۳۰ میلیون و آثار بلند تا سقف ۵۰ میلیون تومان حمایت خواهد شد و شرط حضور در جشنواره نیز نمایش آثار در شبکه است تا مورد داوری مردم قرار گیرد. تا امروز فرصت ثبت‌نام و ارسال آثار تا اولین دوره جشنواره به پایان رسیده و تاکنون هیئت انتخاب پس از بررسی و بازبینی ۲۳۰ اثر رسیده، ۵۱ فیلم کوتاه، نیمه‌بلند و بلند را برای شرکت در این جشنواره انتخاب کرده است؛ آثاری که پخش آنها از هفته گذشته در شبکه مستند آغاز شده و مخاطبان هم‌زمان می‌توانند به داوری آثار شرکت‌کننده بپردازند. قرار است اختتامیه و معرفی برگزیدگان نیز در قالب همین برنامه تلویزیونی در انتهای خرداد به انجام برسد.

هم‌زمان با برگزاری دوره اول، دوره دوم جشنواره کلید خورد

البته دراین‌بین، برگزارکنندگان جشنواره هم‌زمان مشغول برگزاری دور دوم جشنواره نیز هستند، به‌نجوی‌که سامانه ثبت‌نام فصل جدید از جمعه، اول اردیبهشت باز شده و متقاضیانی که از شرکت در فصل اول بازمانده‌اند، می‌توانند با ثبت‌نام مجدد و دریافت کد رهگیری جدید در فصل بعدی جشنواره حضور داشته باشند. فصل دوم در تابستان امسال برگزار می‌شود و موضوع آن آزاد است و فیلم‌هایی با موضوعات مختلف می‌توانند به جشنواره ارائه شوند. بالطبع بخش مردمی جشنواره، با نظر مستقیم مردم، منتخب خود را اعلام می‌کند و در بخش کارشناسی نیز عناصری چون ساختار مستند، شیوه روایت، متن خوب، تحقیق خوب و… به‌عنوان فاکتورهای مهم معرفی شده‌اند. عنوان جشنواره از آن رو «جشنواره تلویزیونی مستند» نام‌گذاری شده؛ چراکه اساسا به صورت تلویزیونی است و کل رویدادهای آن از رقابت آثار گرفته تا اختتامیه در تلویزیون انجام می‌شود. پخش برنامه نیز به صورت یک‌روزدرمیان در روزهای زوج انجام می‌شود و مردم از طریق پیامک یا با استفاده از بستر شبکه‌های اجتماعی می‌توانند آرای خود را اعلام کنند. نقش مردم در این زمینه نیز ناییده گرفته نشده و به مخاطبانی که در آرای مردمی شرکت می‌کنند جوایزی به قید قرعه تعلق خواهد گرفت.

اتفاقی بزرگ برای حمایت از مستندسازان

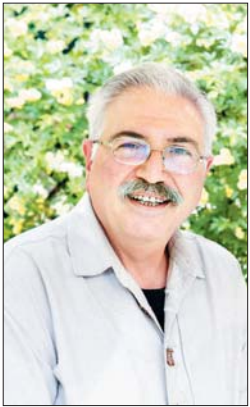
در روزهایی که حتی آثار نمایشی نیز برای تولیدشان به‌ناچار دست‌به‌دامان اسپانسرها و شرکت‌های تجاری شده و ناگزیر بخشی از اثر هنری‌شان را به شکلی تبلیغاتی تولید می‌کنند، برگزاری این جشنواره برای مستندسازان که قشر کمترتوجه‌دیده‌ای هستند، یک اتفاق بزرگ است. موفقیت در این جشنواره به‌منزله حمایت از تولید اثر بعدی فیلم‌ساز است و تکت‌تک هنرمندان می‌توانند با این امید که تا آثار دیده‌نشده خود را برای جشنواره بفرستند تا هم پخش سراسری را تجربه کنند و هم امیدی به آینده و فردایشان داشته باشند. البته از آنجایی که دوره قبلی مدیریت سازمان صداوسیما به دو سال هم نرسید و با پایان این دوره تمام برنامه‌ریزی‌ها و فعالیت‌هایش نیز متوقف شد، مستندسازان باید امیدوار باشند مدیریت فعلی شبکه مستند پابرجا بماند تا این جشنواره، در دایره فستیوال‌های بی‌شمار داخلی که پس از یکی، دو نوبت برگزار می‌شود، فراموش شده و ادامه پیدا نکرده‌اند. قرار نگذرد. این‌گونه می‌توان امیدوار بود تلویزیون با شبکه اختصاصی مستند و البته این جشنواره، محملی امن و مقاوم برای مستندسازان فراهم کند و هرروز بیش از روزهای گذشته، از این ژانر تأثیرگذار، اما مغفول‌مانده حمایت کند. برنامه تلویزیونی جشنواره روزهای زوج ساعت ۱۹ روی آنتن می‌رود و ساعت ۲۴ نیز بازپخش می‌شود. علاقه‌مندان تا ۱۵ خرداد مهلت دارند برای ثبت‌نام در دوره دوم جشنواره اقدام کنند و تا ۲۰ خرداد نیز آثارشان را برای دبیرخانه جشنواره به نشانی تهران، سعادت‌آباد، میدان کاج، خیابان نهم شرقی، پلاک ۲۶، طبقه چهارم بفرستند.

سایت جشنواره به نشانی festmostanad.ir و صفحه اینستاگرام و کانال تلگرام آن به نشانی @festmostanad فعال و آماده همکاری با مستندسازان و علاقه‌مندان این حوزه است.

یادداشت

اسطوره‌های البرز به روایت «احمد وکیلی»

شرق: نمایشگاه نقاشی‌های احمد وکیلی با نام «رودرو با طبیعت» اول اردیبهشت در گالری ایوان افتتاح شد. احمد وکیلی در جدیدترین نمایشگاه انفرادی خود بیش از ۲۰ تابلوی نقاشی را که با تکنیک آب‌رنگ روی مقوا خلق شده‌اند، به نمایش گذاشته است. او در این مجموعه که «رودرو با طبیعت» نام دارد، آثاری را نمایش داده که در دو سال گذشته با حضور در طبیعت به وجود آمده است. روی دیوارهای گالری ایوان، تابلوهای کوچکی دیده می‌شود که نمایانگر برخورد هنرمند با طبیعت اطراف اوست. مناظر عظیم و دوردرست، در قاب‌های کوچکی جا گرفته‌اند و انرژی نهفته آنها به مخاطب منتقل می‌شود. رنگ‌های شفافی که روی بافت درشت مقوا جا خوش کرده‌اند، گاه نشانه‌هایی واضح و نمایان را از کوه‌ها و درخت‌ها نمایان می‌کنند و گاه تنها تاش‌های پرقدرت رنگ هستند که هیچ فرم واضحی را نشان نمی‌دهند. دو تابلوی بزرگ هم در این نمایشگاه وجود دارد که فضایی متفاوت از باقی آثار دارند. در قسمتی از نمایشگاه، در کنار جعبه رنگ و لوازم نقاشی، تعدادی عکس به نمایش درآمده که وکیلی را در حال نقاشی‌کردن در دشت و فضای باز نشان می‌دهد. احمد وکیلی درباره آثار این نمایشگاه گفت: این پروژه دو سال پیش و در ارتباط با مضامین اسطوره‌ای که همیشه کار می‌کردم، شکل گرفت. وقتی به این



مضامین دقت بیشتری کردم، متوجه شدم همه آنها در منطقه کوهستانی و در دامنه البرز اتفاق افتاده است؛ بنابراین در ادامه کارهای پیشین، مضامین اسطوره‌ای خود را در دامنه کوه پیدا کردم و با حضور در طبیعت و بدون استفاده از عکس، آنها را به تصویر کشیدم.

وکیلی ادامه داد: در این ۴۰‌سالگی که نقاشی می‌کنم، اعتقاد قلبی داشتم‌ام بزرگ‌ترین استاد من طبیعت است. هرگز به شاگردانم پیشنهاد نکردم طراحی، نقاشی، شناخت تناسبات و… را با استفاده‌کردن از عکس فرا بگیرند؛ چراکه ایمان دارم احساسات نقاش مهم‌ترین مؤلفه برای متمایزکردن هنرمندان از دیگرگر است و این مؤلفه با رودرویی هنرمند با طبیعت شکل می‌گیرد؛ بنابراین به طبیعت می‌روم و با تکرار تلاش می‌کنم مرمروی‌بودن طبیعت را کشف کنم. گفتنی است گالری ایوان تمام فروش کاتالوگ و سود حاصل از فروش آثار این نمایشگاه را به انجمن تالاسمی ایران اهدا می‌کند.

بازنگران می‌تواند کاری را بکند که اولاً دلخواهش است و ثانیاً در آن هماهنگی و ضرباهنگ به بهترین نحو ممکن متجلی شود و ثالثاً نو و خلاق باشد. او ذهنی رها دارد و چارچوب‌های کهنه را شناخته و به بازی می‌گیرد. او طنز را بازپژه فرم می‌کند تا در چارچوب‌ها نماند، بلکه همه‌چیز برایش بازی باشد و هرچیزی بازپچه‌ای که بشود آن را به کار گرفت برای خلقی متفاوت.



عکس: نیوشا توکلیان

مروری بر آثار عکاسی نیوشا توکلیان در «آب-انبار»

سوژه‌ها و نگاه خیره‌ما

درآمده است. توکلیان در این مجموعه با حمله‌ای صمیمانه به محیط خصوصی

و تجربیات گروهی از دوستان که آرزوها و مشکلات مشابهی با خود او دارند، پیچیدگی‌ها و تناقضات امروزین جامعه ایران را مورد کاوش قرار می‌دهد. در این آثار، مانند بیشتر کارهای او، یک فیکور تنها که انکار در بی‌زمانی معلق است در مرکز تصویر قرار می‌گیرد. در این پرتره‌هایی که به‌دقت صحنه‌پردازی شده (چه تصاویر ثابت عکاسانه یا فیلم‌های بدون حرکت) نوعی سرشکنی تسخیرکننده از گذشته‌ای حل‌نشده و آینده‌ای نامعلوم وجود دارد. در این عکس‌ها با شرایط کاملاً متفاوتی روبه‌رو هستیم، هرچند در تجربه اندوه اشتراک دارند، اما خیلی بیشتر در راستای پیوندی صمیمی است که توکلیان با افرادی منتخب و معدود با پیشینه شهری و متعلق به طبقه متوسط ایرانی برقرار می‌کند.

صفحات خالی یک آلبوم عکس ایرانی (۱۳۹۳) مجموعه‌ای است که براساس آلبوم‌های کودکی تعدادی از دوستان تهرانی توکلیان گرفته شده که شش تایی آنها به نمایش درآمده است. آلبوم‌ها حاوی عکس‌هایی از لحظات شاد دوران کودکی این آدم‌هاست، خصوصاً از جشن‌هایی مانند سالگردها یا اتفاقات خاص خانوادگی. در تمام اینها جمع‌آوری خاطرات در یک دوره متوقف و خود آلبوم‌ها هم به‌کلی رها شده‌اند و بیشتر صفحاتشان خالی و دست‌نخورده است. صفحات خالی به‌عنوان استعاره‌ای برای رویاهای نازیده عمل می‌کند. توکلیان این سکوت را به‌عنوان نقطه عزیمت انتخاب و امور روزانه هر کدام را دنبال می‌کند و از صحنه‌های عادی و روزمره آنها عکس می‌گیرد. تصویر اول هر مجموعه، بازتولید یک عکس از آلبوم اصلی است و بقیه واقعیات زخم‌ت و عادی اتفاقات روزانه آنها در تهران را منعکس می‌کند. این آلبوم‌های بسط‌یافته رویاهای دلپذیر کودکی را که منضّل از واقعیت حال‌حاضر است، به هم می‌ریزد. سوژه‌های عکس‌ها بر دامنه‌ای در تهران زنده شده‌اند و کاراکترها بی‌حرکت و معلق در زمان باقی می‌مانند. در مجموعه سقوط آزاد در سامپور؛ سفر به خانه‌ای امن، یک لایت‌باکس بخش‌هایی از گزارشی تصویری را نشان می‌دهد. متن‌های کوتاه لایت‌باکس داستان‌هایی بسیار وحشتناک و زنده از زخم‌های روحی افراد را بازگو می‌کند. این پروژه به سفارش سازمان غیردولتی نسل دختران در کنیا انجام شده که به دنبال پایان‌دادن به عمل غیرانسانی ختنه دختران است که هنوز در بسیاری از جوامع آفریقایی رواج دارد. بالای لایت‌باکس، دختر با لباس قرمز (۱۳۹۳) قرار دارد. تصویری چشمگیر از یک زن جوان قدم‌هایمان را کند می‌کند و خواهان توجهی است. نور طبیعی این عکس به بیرون‌کشیدن سوژه کمک شایانی می‌کند و مقیاس شکوهمند آن طالب درک و تأمل مخاطب است؛ خلق استادانه لحظه‌ای از سکون و آرامش زیر سایه وحشت.

تصویر محجوری بخش بعدی مادر و کودک (۱۳۹۵) است که فیکور انسانی مرکز صحنه را به خود اختصاص داده است. موضوع قابل توجه در این عکس فرمالیسم و کیفیت نقاشانه است: صحنه‌پردازی و ترکیب‌بندی این عکس با بذهن‌آوردن شمایل‌نگاری آشنای مدونا و کودک، به فیکورها حالتی والا

درباره کارگردان‌هایی که به جوانان هنر و زندگی می‌دهند

این ۳ نفر

از دست‌رفته بررسی می‌شود؛ زمانی که حق طبیعی هر انسانی است، اما در گردونه روزمرگی‌هایی که انسان برای انسان تعریف می‌کند، در مدار تکرار این زمان از کف می‌رود. هر انسان دارنده و صاحب زمان است و به اختیار باید آن را صرف امور زندگی‌اش کند، اما انسان صاحب قدرت دیگران را در اختیار می‌گیرد و این تصاحب زمان و اختیاری‌بودن همگانی معنایش دقیقاً استثمارشدن است. فرهاد تجویدی هم در فرهنگ‌سرای اندیشه چندسالی است با این جوانان کار می‌کند. درستان می‌دهد و می‌داند که این‌کار بی‌هوده نیست و حالا اثباتش در اجرای نمایش «من» در تالار تدیس شهر تهران ممکن شده است. این سه نفر کارگردان خلاق ایرانی در آستانه جهانی‌شدن هستند؛ یعنی به اقتضای داشتن نیروی خلاقه توانسته‌اند خودی‌نشان دهند؛



احسان صمدی



امیرحسین



امیرحسین

رضا آشفته: سه کارگردان تئاتر ایرانی هستند که بیشترین بهره را از انرژی جوانان و آماتورها در صحنه می‌برند که بودندشان در تئاتر به‌نفع جوانان است چون از عهده راهبری و هدایت آنان نه‌تنها در صحنه که در واقعیت‌های روزمره زندگی نیز بخواهند آمد. به‌عبارت‌بهر اینان انگیزه تئاتر

زندگی را به بازیگران‌شان می‌آموزند.

پیش از آنکه فرهاد تجویدی با نمایش «من» مطرح شود، دو نفر دیگر هم با تفکرات و اهداف مشابه خود را در تئاتر ایران مطرح کرده‌اند و درست در آستانه اتفاق باشکوهی بوده‌اند که گروهشان از هم پاشیده است.

احسان رحیمی از کارگردان‌های ساکن در شاهین‌شهر اصفهان بود که توانست فرم مبتنی‌بر حرکت و ایجاد ضرباهنگ و هماهنگی درست خود را مطرح کند. او با پچه‌های جوان و آماتور کار می‌کرد و کارش را در هماهنگی حرکت و موسیقی می‌ساخت. او که این روزها به بلژیک – شاید تا همیشه- کوچ کرده است؛ نتوانست بار زحمت زندگی خود و دو فرزندش را تحمل کند و به‌ناچار کوچ کرد. حمید پورآذری نفر دوم این مدل خلاق و پرنرژنی است. او هم با جوانان بسیار در فرهنگ‌سرای بهمن «اودیپ» و «دایره گچی قفقازی» را به تماشا درآورد. با هم باز پچه‌های ایرانی کولاک کردند و خلاقت گروهی را در بارزترین شکلش نمایان کردند. او در سال ۹۵ با همکاری سیامک احصایی توانست نمایش «خانه‌ام ابری» را کار کند که در بخش بین‌الملل تئاتر فجر به‌عنوان بهترین نمایش برگزیده شد. خانه‌ام ابری نمایشی است که در آن انسان به اقتضای زمان